

سرّ تلبیه در حج

حجت الاسلام و المسلمین سید مجتبی بدری - مدرس سطح دو

چکیده:

حج از فروع دینی واجب، با شرایط استطاعت است حج همچون بقیه واجبات ظواهر و نسک مخصوص به خود را، داراست آن طرف ظاهر حج، باطنی عمیق از اسرار و معارف نهفته شده که با گذر از ظواهر، به آن میتوان دست یافت و حقایق را با جان و روح دریافت از واجبات حج مسئله تلبیه است، و تلبیه دروازه ورود به عوالم و اسرار حج است با تلبیه محرم به حریم الهی و ضیافت رحمانی نائل می گردد.

محرم می تواند با کنار زدن پرده های الفاظ تلبیه، در دنیای معرفت ربانی قرار گرفته، خود را غوطه و در رحمت الهی و ضیافت حق ببیند و از تعلقات دنیایی جدا، روح خود را با عالم معنا پیوند زند. این گریز از عالم تعلقات و ماده و وصل به عالم معنا و معرفت، سری از اسرار تلبیه است. زائر بیت الله الحرام با جذب احرام به عالم وصال نائل می شود احرام سالک را بیدار و مشتاق می کند، او با نظر به جامه احرام نا آرام و بی قرار می گردد، آتش عشق او فروزی یافته، با چشم گریان و دل بریان لب می گشاید: لبیک اللهم لبیک، و با جذب الهی به مقام یقین نائل می شود.

کلید واژه:

حج - عمره - احرام - تلبیه - سرّ - شعائر - اطاعت

مقدمه:

هر آنچه در عالم دنیا هست باطنی دارد زیرا دنیا تنزل یافته عالم بالاست هر چه در عالم دنیا هست نمونه است از آنچه در عالم معناست، احکام و قوانین الهی هم که در دنیا به صورت دین و دستورات عبادی ظهور کرده است. اسرار و باطنی دارد عبادت که بعنوان هدف آفرینش تعیین شده است حکمتی دارد و ما خلقت الجن و الانس الی عبدون¹

ظاهر و باطن اعمال

حکمت عبادت غیر از آداب و احکام آن است احکام عبارت است از واجباتی که در کتابهای فقهی بیان شده از قبیل اینکه چگونه وضو بگیریم، چگونه نماز بخوانیم، چگونه حج انجام دهیم واجبات نماز چیست - ارکان نماز کدام است و غیره، و نیز عبادات آدابی دارد که تعدادی از آنها را کتابهای فقهی به نام مستحبات و مقداری دیگر را کتابهای اخلاقی بیان می کند - قسمت سوم، حکمت عبادت است، و انسان با سرّ عبادت محشور می شود.

حکمت عبادات که نه در کتابهای فقهی آمده و نه در کتابهای اخلاقی بیان شده ارواح و باطن عبادات است که با باطن انسان در ارتباط است و حشر انسان نیز با همان خواهد بود نه تنها عبادات، بلکه القاب و اوصاف معصومین (ع) نیز حکمتی غیر از آن معانی ظاهری دارد ما موظفیم این کلمات را بر زبان جاری کنیم اما باید بدنبال این باشیم که باطن این کلمات و حکمت این عبارات و الفاظ چیست؟

ژرفای حکمت الهی

شخصی از امام صادق (ع) سؤال کرد چرا رسول خدا (ص) را ابوالقاسم می گویند؟ فرمود: برای این که آن حضرت فرزندی داشت بنام قاسم و چون پدر قاسم بود از این جهت به رسول خدا a ابوالقاسم می گفتند. راوی عرض کرد این معنا را من می دانم کمی روشن تر بیان کنید که چرا رسول خدا (ص) را ابوالقاسم می گویند حضرت فرمود چون علی ابن ابیطالب (ع) قسیم الجنة و النار است قاسم است - یعنی قسمت کننده بهشت و جهنم است. در قیامت آن حضرت به اذن خدا جهنمی ها را به جهنم و بهشتی ها را به بهشت فرامی خواند پس علی قاسم است و چون خداوند متعال علی ابن ابیطالب (ع) را در همان دوران کودکی به دامان پیامبر (ص) منتقل کرد و از همان طفولیت رسول خدا (ص) معلم و علی ابن ابیطالب (ع) شاگرد پیامبر بود و از آنجا که هر شاگردی فرزند استاد است حق پدری بر او دارد پس علی بمنزله فرزند اوست از این رو پیامبر را ابوالقاسم می نامند. 2 این معنا و تفسیر برای ابوالقاسم از حکمت این کنیه است و هر کسی نمی تواند بفهمد و معنا کند. مرحوم حاج شیخ محمد تقی آملی (قدس سره) که در علم و عمل کامل بود روزی بعد از درس این حدیث را نقل کردند و فرمودند: اگر این شخص شرح صدر بیشتری میداشت و بازم سؤال میکرد حضرت بیان دیگری می فرمود.

تناسب حکمت و درک مردم

بنابراین آنچه در تعبیرات معصومین (ع) به عنوان الفاظ و عبارات آمده این است که آن حضرات به اندازه فکر ما سخن گفته اند نه اینکه حکمت و حقیقت نماز همین باشد که ما می خوانیم بلکه پشت پرده این الفاظ و معانی و مفاهیم، حقایقی است. ولی اگر فکر را توسعه دادیم آنگاه از پشت پرده و ماورای این الفاظ مطالب دیگری را هم کم و بیش می فهمیم چون رسول خدا (ص) فرمود: انا معاصر الانبیاء امرنا ان نکلم الناس علی قدر عقولهم ما موظفیم با مردم به اندازه فکر آنها سخن بگوئیم. ولی هر کس به اندازه فکر خود می فهمد 3 در اصول دین استدلال وجود دارد ولی در فروع دین استدلال نیست و حج از فروع دین است لذا برای هر یک از فروع دین فلسفه و اسرار و حکمتی وجود دارد که جز خداوند حکیم کسی عالم به همه اسرار و فلسفه و حکمت آن نمی باشد لذا هر کس بقدر فهم و شعور خود فلسفه

احکام و اعمال آن را بیان می کند.
و ما اوتیم من العلم الا قليلا حج ابعاد گسترده ای دارد و همه عبادات دیگر به نوعی در آن نهفته است.

تلبیه ورودبه حريم

از جمله واجبات حج احرام می باشد و از واجبات احرام تلبیه است تلبیه مثل تکبیره الاحرام نماز باید به عربی صحیح گفته شود اما فلسفه و سر تلبیه گفتن چیست؟ چرا از شرایط احرام به حساب آمده است، راجع به اسرار و فلسفه تلبیه در حج و عمره نظرات زیادی از ائمه معصومین (ع) و بزرگان دین رسیده است؟ امام عسگری (ع) فرمود: وقتی خداوند ندا داد که ای امت محمد (ص)، پس آنانکه در صلب پدران و رحم مادران شان بودند. گفتند: لبیک اللهم لبیک خداوند این جواب را شعار حج قرار داد. 4
ابان از کسی روایت می کند که به امام صادق (ع) عرض کردم چرا به لبیک گوئی تلبیه می گویند؟ فرمود: این اجابت است! موسی پروردگارش را چنین جواب داد 5 عبدالله بن علی حلبی گفت: از امام صادق پرسیدم که لبیک گفتن شخص حاجی چرا جزء اعمال حج شده است؟ جواب فرمود که پروردگار عالم پیامی به ابراهیم داد مبنی بر اینکه اعلان کن تا تمام جهانیان بیایند به طرف کعبه و حج به جا آورند. ابراهیم هم اعلان کرد اشخاصی که در آن زمان معتقد به حقیقت کعبه بودند بلکه تمام موجودات و جانداران از دور و نزدیک پاسخ مثبت دادند و ابراهیم اولین کسی بود که تلبیه گفت 6 امام زین العابدین (ع) راز لبیک گفتن را چنین بیان می فرماید خدایا پیمان می بندم که از این پس جز به طاعت تو زبان نکشایم و زبانم را بر همه گناهان می بندم 7

معنای تلبیه

تلبیه: تطهیر زبان از همه گناهان مربوط به آن است زبان زائر بیت الله زبان طاهر است یعنی هرگز شهادت به دروغ نمی دهد غیبت نمیکند، تهمت نمی زند و کسی را با زبان مسخره نمی کند پس سر تلبیه، زبان به حق و طاعت گشودن است و از گفتار باطل و معصیت دوری جستن آن هم نه تنها در محدوده زمانی حج و عمره بلکه برای همیشه.
سلیمان بن جعفر می گوید: از امام رضا (ع) درباره لبیک گفتن و علت آن پرسیدم حضرت فرمود: وقتی مردم احرام می بندند خداوند متعال ندایشان می دهد و می گوید ای بندگان و کنیزان من شما را بر آتش حرام خواهم کرد. آنگونه که شما بخاطر من احرام بستید آنگاه مردم به عنوان اجابت خداوند که آنان را ندا داد می گویند لبیک اللهم لبیک. 8
احرام و لبیک گفتن به معنای پاسخ دادن به ندای وحی و اجابت دعوت الهی است از این رو حج گزاران راستین و زائران حقیقی کعبه هنگام تلبیه آنچنان به هراس عقلی بیمناک می شوند که رنگ آنان زرد شده و صدایشان می گرفت چنانکه گاهی مدهوش می شدند و وقتی به آنها گفته می شود چرا نمی توانید لبیک بگوئید می فرمودند: می ترسیم به ما گفته شود بدرستی به نداء حج پاسخ ندادید لا لبیک و لا سعیدیک. 9

سفیان ابن عیینه گفت: امام سجاد به حج رفت، چون احرام بست و بر مرکب خویش قرار گرفت رنگش زرد شد و به لرزه افتاد و نتوانست لبیک بگوید کسی گفت لبیک نمی گوئی، حضرت فرمود: می ترسم خداوند در پاسخ من بگوید لا لبیک و لا سعیدیک. 10

تلبیه ذکر مخصوص زوارخانه خدا

روزی که حاجی در میقات برای تلبیه گفتن می ایستد، گذشته سیاه خود را در نظر گرفته، دعا و استغفار بر لب جاری می کند، اینک هنگام تحول است و اینک زمانه آن است که حاجی انسانی دگر شود؛ لحظه تحقق تحولی عظیم است زمان انتظار پایان یافته و حاجی خود را در حضور خدا احساس می کند. اکنون زمان دلدادگی است، میقات، حسرت است و امید. حسرت بر گذشته و امید به آینده. در آنجا باید قصد دگرگونی داشت. از خود انسانی جدید ساخت، از غفلت ها و نسیان ها کاست و بر عشق ها، خلوص ها، و حضورها افزود. نیتی که انسان در میقات همراه با احرام می بندد پیمان تحول با خدا، بسته است به بیانی دیگر حاجی آن عهدی که با پروردگار در عالم الست بسته بود تجدید می کند.

تلبیه ذکر مخصوص زوارخانه خدا و بار سفر بستگان بسوی کعبه معبود و یکتاست، تلبیه نغمه عاشقانی است که از حنجره طائر گلشن قدسی و روح انسانی بر می خیزد و پاسخ به ندای سروش غیبی و دعوت کننده آسمانی می دهد! تلبیه آهنگی است شورانگیز و نوائی پرسطوت است که از گفتن و شنیدنش هیبتی عجیب سراپای انسان را فرا می گیرد دل فرو می ریزد و بدن می لرزد و سیلاب اشک از دیدگان جاری می شود و حالتی روحانی پدید می آید و از عمق جان می گوید لبیک اللهم لبیک زائر خانه خدا باید تلاش نماید تا خودش را به این مقام برساند.

پیامبر اکرم (ص) تلبیه را شعار حج دانسته، فرموده اند: جبرئیل نزد من آمد و گفت خداوند متعال به تو دستور میدهد که یارانت را فرمان دهی صدایشان را به لبیک گفتن بلند سازند چرا که آن شعار حج است. 11

سر تلبیه بخشیدن گناهان و دوری از نفاق و دوزخ

خداوند دوست دارد با گفتن لبیک بندگان را ببامرزد و عفو کند رسول خدا (ص) فرمود: هیچ حج گزاری نیست که روز را به لبیک گفتن به سر آورد مگر آنکه همراه غروب خورشید گناهانش پنهان می شود و کسی که یک روز تا غروب آفتاب، لبیک بگوید گناهانش از بین برود و همچون زمانی می شود که مادرش او را به دنیا آورده است و کسیکه در احرامش از روی ایمان و امید به پاداش الهی هفتاد بار لبیک بگوید خداوند فرشتگان را شاهد می گیرد که او را از دوزخ و نفاق رهائی داده است. 12

حضرت امام خمینی (ره) که نگرشی همچون امامان معصوم به حج داشته اند و در پیامهایی که به مناسبت مراسم حج صادر کرده به گوشه ای از این راز و رمزها اشاراتی داشته اند. و فرموده اند لبیک های مکرر از کسانی حقیقت دارد که ندای حق را به گوش جان شنیده و به دعوت الله تعالی به اسم جامع، جواب می دهند در لبیک، نه بر هم بت ها گویند و لا به همه طاغوت ها کشند. 13

تلبیه جواب ندای الهی

تلبیه یعنی لبیک گفتن - این لبیک جواب دادن بحق است که بنده اش را می خواند و سر آن این است که انسان بفهمد خدا او را می بیند و

با او بزبان دل سخن می گوید و بنده ای که اینک مهمان خدای کریمش میباشد و میهمان میزبان کریم خود را بوحدانیت حقیقی و اینکه حیاتش نعمتی از او و تمام جهان ملک و مُلک اوست ستایش می کند نه یکبار و دوبار بلکه در هر گامی و در هر بلندی و پستی و از هر بیداری از خواب چرا که در کشور او که تمام جهان است گام می نهد و به زندگانی که خدا به او بخشیده است حرکت می کند و به صحبت و توفیقی که خدا به او داده زبانش در دهانش گردش می کند همه چیز از اوست و از نزد او آمده و نزد او بر میگردد از تکرار لبیک مقدار دعوت خدا را درک می کند و حق از نظرش محو نمی شود.

و هر دفعه که می خواهد بگوید لبیک اللهم لبیک تمام وجود خود را فانی و بیچاره و او را توانا و هستی محض مشاهده می کند. لبیک تنها یک لفظ نیست بلکه رسیدن به مقام اجابت است یعنی رسیدن حاجی به مقامی که رسماً به دعوتی که از او شده جواب مثبت می دهد. مقام اجابت، مقامی بس رفیع است زیرا در این مقام هم اجابت دعوت پیامبرانی چون حضرت آدم، حضرت ابراهیم، حضرت موسی، و پیامبر اکرم (ص) است که مردم را به انجام مناسک حج دعوت کرده اند و هم اجابت دعوت خداوند است. رسیدن به مقام اجابت و رسیدن به فوز عظیم است که نصیب هر کسی نمی شود. بدین جهت امام صادق (ع) شرط نیل به این مقام را مال حلال و لقمه پاک می داند. اذا اکتسب رجل مالا من غیر حلّه ثم حج فلّبی نودی لا لبیک و لا سعیدیک و ان کان من حلّه فلّبی نودی لبیک و سعیدیک. تعبیر سعیدیک نشان می دهد کسی سزاوار پاسخ لبیک از خداوند است که به مقام سعد و سعادت راه یافته باشد و لا لبیک نیز شایسته کسی است که مشمول لا سعیدیک شده باشد. لذا در روایتی آمده است که به هنگام احرام در جواب کسی لبیک نگوئید بلکه در پاسخ به ندای او بگوئید یا سعد، که شاید مراد تفأل به خیر نسبت به دیگران است که آنان در گروه اهل سعادت قرار دارند و در زمره دعوت شدگان الهی قرار گرفته اند. 14

علت جعل تلبیه

راوی می گوید از محضر امام صادق (ع) پرسیدم چرا تلبیه جعل و تشریح شده است حضرت فرمودند: که خداوند عزوجل به جناب ابراهیم (ع) وحی فرمود و اذن فی الناس بالحج یا توک رجالا: مردم را به اداء مناسک حج اعلام کن تا مردم پیاده و سواره و از هر راه دور به سوی تو جمع آیند پس ابراهیم ندا داد و با صدای بلند مردم را دعوت نمود مردم هم از راه دور اجابتش کردند و تلبیه گویان به سوی او شتافتند و این سنت گردید. 15

پیامبر اکرم (ص) فرمود: خداوند وقتی حضرت موسی ابن عمران (ع) را مبعوث فرمود و وی را برگزید و دریا را برایش شکافت و بنی اسرائیل را نجات داد و تورات و الواح را به او عطا کرد موسی (ع) خود را در دربار خدا صاحب مکان و شرف دید لذا به پروردگار عرض کرد به من کرامتی دادی و عنایتی فرمودی که به احدی قبل از من چنین توجهی نفرمودی.

خداوند فرمود: ای موسی آیا می دانی محمد (ص) نزد من از تمام فرشتگان و جمیع مخلوقاتم برتر و بالاتر است. موسی عرض کرد پروردگارا اگر محمد (ص) نزد تو از تمام مخلوقات افضل است، آیا در میان آل انبیاء از آل من کسی اکرم و افضل می باشد. خداوند عزوجل فرمود: ای موسی آیا میدانی که فضل و برتری آل محمد به تمام انبیاء هم چون فضل و برتری محمد به جمیع مرسلین است. موسی عرض کرد: پروردگارا اگر آل محمد (ص) چنین هستند پس آیا در میان امم امتی از امت من برتر در نزد تو می باشد چه آنکه بر امت من ابر سایه افکند و مرغ بریان با ترنجبین برایشان نازل نمودی و دریا را برایشان شکافتی. خداوند عزوجل فرمود: ای موسی آیا نمی دانی فضل و برتری امت محمد (ص) بر تمام امت ها همچون فضل خود او بر تمام خلایق است. موسی عرضه داشت. پروردگارا کاش ایشان را من می دیدم.

خدا وحی فرمود که: تو ایشان را هرگز نخواهی دید زیرا هنگام بروز و ظهور و خلقت ایشان اکنون نیست. ولی به زودی آنها را در بهشت یعنی در جنات عدن و فردوس برین در محضر حضرت محمد (ص) خواهی دید و ملاحظه می کنی که در نعمت های بهشتی غوطه ور و در خیرات و زیبایی های آن غرق می باشند آیا دوست داری سخن ایشان را به سمع تو برسانم. موسی عرضه داشت: آری ای پروردگار من.

خداوند عزوجل فرمود: در مقابل من بایست و تن پوش خود را محکم و استوار کن و همچون بنده ذلیل در مقابل سلطان با عظمت و شوکت قرار بگیر.

موسی چنین کرد، پس حق عزوجل ندا نمود: ای امت محمد (ص) تمام آنها در حالی که در پشت پدران و رحم های مادرانشان بودند اجابت کرده و گفتند: لبیک اللهم لبیک، لبیک لا شریک لک لبیک، ان الحمد و النعمه لک و الملک لا شریک لک لبیک.

سپس امام فرمود: خداوند عزوجل این اجابت را با عباراتی که ذکر شد شعار در حج قرار داد. خداوند عزوجل پس از آن ندا نمود: ای امت محمد (ص) حکم من بر شما چنین تقدیر شده که نعمت من نسبت به شما بر غضبم سابق بوده و عفو و بخشش پیش از عقاب مواخذه ام می باشد پیش از آن که مرا بخوانید دعای شما را مستجاب می کنم و قبل از آن که از من سؤال و درخواست نمائید به شما اعطاء خواهم نمود. 16

نتیجه:

یکی از فروع دین حج است که دارای ابعاد و احکام فراوانی است. از جمله واجبات حج، احرام است. حاجی و معتمر باید در یکی از میقاتها محرم شود. با سه چیز زائر محرم می شود:

نیت

پوشیدن لباس احرام

تلبیه: لبیک اللهم لبیک لبیک لا شریک لک لبیک ان الحمد و النعمه لک و الملک لا شریک لک لبیک.

چرا تلبیه در حج واجب شده است چون شعائر حج و اجابت پروردگار و ذکر مخصوص زائران خانه خدا، بخشیدن گناهان، دوری از نفاق و دوزخ است.

امام چهارم زین العابدین (ع) راز لبیک گفتن را چنین بیان می کند که با خدا پیمان می بندم که از این پس جز با اطاعت تو زبان ننگشایم

و زبانم را بر همه گناهان می بندم. تلبیه یعنی تطهیر زبان از همه گناهان مربوط به آن، زبان زائر بیت الله زبان طاهر است یعنی هرگز شهادت به دروغ نمی دهد، غیبت نمی کند، تهمت نمی زند و کسی را با زبان مسخره نمی کند. پس سر تلبیه زبان به حق گشودن است و از گفتار باطل و معصیت دوری جستن آن هم نه تنها در محدوده زمانی حج و عمره بلکه برای همیشه.

پی نوشت :

1. سوره ذاریات ، آیه. 56
2. معانی الاخبار، ترجمه :عبد العلی محمدی شاهرودی ، ص 52 ، حدیث . 2.
3. اصول کافی ، ج 1 ص 23 حدیث. 15- 2
4. دائرة المعارف حج از میقات تا میعاد ، ص. 222
5. الحج والعمره فی الکتاب والسنة، الطبعة الرابعة، ص. 267
6. دائرة المعارف حج از میقات تا میعاد ، ص. 223
7. صهای حج ، ص. 37
8. الحج والعمره فی الکتاب والسنة ، ص. 266
9. صهای حج ، ص. 378 .
10. الحج والعمره فی الکتاب والسنة، ص. 273 .
11. همان ، ص. 275
12. همان ، ص. 271
13. فرهنگ نامه اسرار و معارف حج ، ص 121 .
14. حج در اندیشه اسلامی ، ص 79 .
15. علل الشرایع ص. 341
16. علل الشرایع ص. 347

منابع:

* قرآن کریم.

- 1- رضائیان ، یوسف (1376 ش)، دائرة المعارف حج از میقات تا میعاد، قم ،موسسه مشعر..
- 2- کلینی ، محمد ابن یعقوب ، 1383، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، تهران، انتشارات اسوه، چاپ ششم.
- 3- صدوق ، محمد ابن علی ابن بابویه، 1364، معانی الاخبار، ترجمه :عبد العلی محمدی شاهرودی، قم، دارالحدیث.
- 4- شیخ صدوق ، محمد ابن علی ابن بابویه، 1364، علل الشرایع، قم، انتشارات اسلامی.
- 5- آیت الله جوادی آملی (1389 شمسی) ، صهای حج ، قم، موسسه مشعر.
- 6- محمدی ری شهری (1384 ش) ، الحج والعمره فی الکتاب والسنة، الطبعة الرابعة، قم، دارالحدیث فی النشر و الطباعة.
- 1385 7- ، فرهنگ نامه اسرار و معارف حج ، قم ، دارالحدیث ، چاپ دوم.
- 8- قاضی عسگر، 1381 ، حج در اندیشه اسلامی ، قم، انتشارات مشعر.